

موج استعفا در رژیم صهیونیستی



اتمام بیش از یک‌سال تجاوزگری ارتش اشغالگر قدس به نوار غزه که نتیجه ملموسی برای تصمیم‌سازان تل‌آویو به همراه نداشت، تبعات سیاسی گسترده‌ای در امور داخلی رژیم به‌دنبال آورده است.

این وضعیت با استعفای گسترده فرماندهان ارشد صهیونیست آغاز شده است؛ چراکه هدف اصلی آنها نابودی کامل جنبش حماس و اشغال دائمی نوار غزه بوده؛ هدفی که حتی به آن نزدیک نیز نشده‌اند.

پس از استعفای ایتمار بن‌گوریر، وزیر امنیت داخلی افراطی کابینه نتانیاو به‌دلیل این‌که آتش‌بس در نوارغزه را «مایه ننگ» صهیونیست‌ها توصیف کرد، هرتزی هالوی، رئیس ستاد ارتش اشغالگر قدس نیز به‌تازگی از سمت خود استعفا داد. او دلیل استعفای خود را شکست در برابر عملیات طوفان الاقصی عنوان کرد که بار دیگر نشان‌دهنده شکاف در اقتدار اطلاعاتی رژیم در تاریخ ۱۷اکتبر است.

مرثیه‌ای برای آرمان‌های صهیونیستی

با توجه به وضعیت ناپسaman ساختار سیاسی و نظامی تل‌آویو، از هالوی خواسته شده که تا ششم مارس در سمت خود باقی بماند. او در بیانیه پایانی خود اشاره کرد که جنگ در چند جبهه مقابل محور مقاومت به تلفات سنگینی برای نظامیان صهیونیست منجر شده و بسیاری از شهروندان رژیم از ادامه جنگ جرات‌های متعددی برداشتند.

به‌طورکلی می‌توان گفت که تل‌آویو با بحران خودباختگی فرماندهان و سیاستمدارانش پس از شکست در برابر جنبش حماس مواجه است.

به نقل از منابع عبری، پس از رئیس ستاد، نوبت به فرمانده منطقه جنوبی ارتش اشغالگر قدس رسید و یارون فتکامن نیز از سمت خود استعفا داد. او در اظهارات پایانی خود تأکید کرد که شکست در ۱۷اکتبر تا ابد در زندگی‌اش باقی خواهد ماند.

تحلیلگران حوزه رژیم انتظار دارند که زلزله استعفای مقامات نظامی تل‌آویو ادامه یابد و این امر می‌تواند به تضعیف جایگاه نتانیاو نیز منجر شود.

مهرو کلیدی بنیامین نتانیاو در حفظ جایگاه نخست‌وزیری کسی نیست جز وزیر دارایی کابینه، یعنی برال اسموتیچ که برخلاف همتای افراطی خود بن‌گوریر تا به امروز از برکناری سر باز زده است. نتانیاو به حفظ وزیر دارایی در کابینه تل‌آویو نیاز مبرم دارد و خروج اسموتیچ معنایی به غیر از فروپاشی کابینه رژیم را نخواهد داشت.



ناقوس مرگ رژیم در خاورمیانه

شکست در تحقق اهداف در نوار غزه به افزایش حملات شهرک‌نشینان صهیونیستی علیه جنبش‌های مبارز در کرانه باختری منجر شده است.

افراد مسلح از دوشهرک الفندک و جینصافوط در شمال کرانه باختری به مواضع فلسطینی‌ها یورش بردند. به گزارش جمعیت هلال احمر، ۲۱ فلسطینی مجروح شده‌اند که از این تعداد، ۱۲نفر به‌دلیل ضرب‌وجرح و ۹نفر دیگر به علت استفاده شهرک‌نشینان مسلح از گاز اشک‌آور آسیب دیده‌اند.

ایجاد اورآسیب دمرج اجتماعی و همچنین فروپاشی ساختارهای فرماندهی سیاسی و نظامی، نوید تزلزل پایه‌های قدرت تل‌آویو در منطقه غرب‌آسیا را می‌دهد. بدون پشتیبانی قدرت‌های غربی، به‌ویژه آمریکا، استمرار حیات سیاسی این رژیم جعلی به‌دلیل بحران‌های متعدد ممکن نخواهد بود. در نتیجه، ۱۷کتبر را می‌توان نقطه عطفی در مسیر افول اشغالگری تل‌آویو تعبیر کرد.

مراسم تحلیف دونالد ترامپ درحالی برگزار شد که سخنانش نشان داد رویکردهایش نسبت به گذشته تغییر نداشته و خوشبینی به معامله‌گربودن ترامپ تصویری باطل است. این بخشی از گفت‌وگوی جام‌جم با دکتر فواد ایزدی، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل بین‌الملل است که تأکید داشت اصرار بر مذاکره، آمریکا را جری‌ترمی‌کند و ایران باید بر اصول خود در مذاکره پافشاری کرده و منافع ملی را در اولویت قرار دهد.

ایزدی بر این باور است که سیاست‌های داخلی ترامپ می‌تواند فرصتی مناسب برای ایران باشد، به شرط آن‌که نه بترسیم و نه بترسانیم. آنچه در پی می‌آید حاصل این گفت‌وگوست.

۹] مراسم تحلیف دونالد ترامپ برگزار شد و ترامپ در این مراسم فرمان‌های اجرایی خود را نیز صادر کرد. نظر شما در مورد سخنان او در این مراسم چیست؟

مراسم تحلیف دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در حالی برگزار شد که او در اولین سخنرانی‌اش در کسوت چهل‌وهفتمین رئیس‌جمهور آمریکا نشان داد که رویکردهایش در این دوره نسبت به گذشته تغییری نکرده است. حتی می‌توان گفت که در این دوره صحبت‌های ترامپ نسبت به چهار سال گذشته‌اش تندتر بود. ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری‌اش تجربه کافی نداشت و در هیچ سطحی از ساختار آمریکا حضور نداشت اما در این دوره چهار سال تجربه ریاست جمهوری دارد. او در این سخنرانی با نقد مستقیم عملکرد دولت بایدن در چهار سال ریاست جمهوری‌اش، آن‌قدر به خود اطمینان داشت که دزادیه ادب خارج شد.

۹] آیا ترامپ ۱۰۰ فرمان اجرایی خود را عملی می‌کند؟

او در ۱۰۰ فرمان اجرایی‌اش که صادر کرد از جمله تغییر نام خلیج مکزیک به خلیج آمریکا تا فرمان آزادی ۱۵۰۰ نفر در پرونده شورش کنگره که چهار سال زندانی بودند و برخی محکومیت‌های بلندمدت داشتند نیز نشان می‌دهد که او به این فرامین مقید بوده و آن را اجرایی می‌کند و اظهاراتش تبلیغاتی نیست.

۹] نظرات ترامپ در مورد ایران را چطور می‌بینید؟ او در سخنرانی سوگند خود مستقیماً اشار‌ای به ایران نداشت اما در سخنرانی‌های دیگرش در ۲۴ساعت گذشته سخنانی را که قبلاً در مورد ایران تکرار می‌کرد، مجدداً تکرار کرد. ترامپ فشارهای حد اکثری خود را سبب فشار اقتصادی بر ایران و کاهش قدرت مالی تهران عنوان می‌کرد و تأکید داشت که اگر من بوم عملیات طوفان الاقصی اجرایی‌نمی‌شد.

البته یک حالت خوشبینی نسبت به بازگشت ترامپ در ایران وجود دارد و واقعیت این است که اطرافیان ترامپ همگی تندرو و ضدایرانی هستند. **۹] آیا این خوشبینی نمی‌تواند نتایج مثبتی برای سیاست خارجی کشور و کاهش فشارها داشته باشد؟**

خوشبینی بی‌جهتی نسبت به بازگشت ترامپ در کشور وجود دارد اما سخنان و رفتار او در ۲۴ساعت اخیر نشان می‌دهد که چنین خوشبینی‌ای بی‌دلیل است.

۹] بعد از مراسم تحلیف با توجه به سخنان ترامپ در مورد ایران و وجود گروهی از جمهوری‌خواهان تندرو در موقعیت‌های کلیدی دولت او، بحث‌هایی در مورد خروج ایران از NPT مطرح است و این‌که چطور ترامپ با این مساله برخورد می‌کند؛ آیا به فشار حداکثری روی می‌آورد یا مذاکره می‌کند؟

اگر شما تعداد دفاعی را که رئیس‌جمهور، وزیر خارجه، معاون راهبردی رئیس‌جمهور و افراد دیگر

دکتر فؤاد ایزدی، استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «جام‌جم»

اصرار بر مذاکره، آمریکا را جری‌ترمی‌کند



مذاکره را ترک کردند و به دنبال آنها اروپایی‌ها و وزرای خارجه اتحادیه اروپا نیز به ترک میز مذاکره اقدام کردند. بنابراین ایرانی‌ها همچنان موضع قبلی خود را حفظ کرده‌اند و اکنون دولت‌های غربی هستند که اگر دنبال مذاکره هستند می‌توانند مجدد به آن بازگردند. باید در نظر داشته باشیم که هر کشوری براساس منافع ملی کشورش مذاکره می‌کند. زمانی ما مذاکره می‌کنیم که شرایط بهتری برای ایران ایجاد شود اما در زمان برجام چنین شرایطی را حس نکردیم و در انتها نیز ترامپ برجام را پاره کرد. البته بخشی از مشکلات ما به دعوای داخلی برمی‌گردد، دعوای سیاسی داخلی و عدم توجه به منافع ملی، مشکلاتی است که در این مجال نمی‌توان در مورد آن صحبت کرد.

۹] آیا طرح صحبت درباره مذاکره با آمریکا می‌تواند به ضرر ایران تمام شود؟ این‌گونه صحبت‌ها به‌ضرر ایران است و موضع قدرت‌مندان ما را تخریب می‌کند. این صحبت‌ها منجر به ایجاد این تصور می‌شود که ایران تحت فشار است و اگر تحت فشار نبود، مقاماتش چنین واکنشی نداشتند، پس سیاست فشار علیه ایران سیاسی است که برای منافع آمریکا جوابگوست. بنابراین این سیاست از سال ۹۷ جواب داده و چون موفق عمل کرده، نه‌تنها نباید تغییر کند بلکه اجرای آن ضروری است و باید افزایش هم یابد.

بنابراین اصرار بر مذاکره با آمریکا نه‌تنها کمک به مذاکره، کاهش تنش و کاهش فشار نمی‌کند بلکه موجب افزایش فشار می‌شود.

۹] مقامات ما چه واکنشی باید داشته باشند؟ باید در نظر داشت وقتی مقامات ایرانی در مورد مذاکره صحبت می‌کنند، این صحبت‌ها در سیاست‌گذاری‌های دولت ترامپ اثرگذار است. سؤالی که باید از سوی آمریکایی‌ها پاسخ داده شود این است که چه کسی زیر میز مذاکره زد؟ آمریکایی‌ها میز

۹] این نوع رویکرد به چه نوع تفکری در آمریکا بر می‌گردد؟ این نگاه به رویکرد

مذاکره با آمریکا به‌همی‌گردد که آمریکا حتی به دوستان خودش هم رحم نمی‌کند. هتری کیسینجر جمله معروفی در این زمینه دارد. او می‌گوید: دشمن آمریکا بودن، ممکن است خطرناک باشد اما دوست آمریکا بودن کشنده است. کانادا در زمره نزدیک‌ترین دوستان آمریکا قرار دارد؛ گرینلند متعلق به دانمارک است و دانمارک در اتحادیه اروپا قرار دارد و پاناما در زمره متحدان آمریکا در آمریکای جنوبی قرار دارد. از این جهت می‌توان گفت با این‌که آنها در زمره دوستان آمریکا قرار دارند، چشم آمریکا به خاک آنهاست و به تمامیت‌رضی آنها احترام نمی‌گذارد.

۹] با توجه به این اظهارات می‌توان گفت وقتی آمریکا با دوستانش چنین می‌کند با ما که سیاست‌های متناقض با او داریم چه خواهد کرد؟ وضعیت فعلی درسی است برای دوستان در داخل کشور ما، این‌که برخی در داخل فکر می‌کنند مذاکره با آمریکا و ترامپ اهل معامله مثبت است، تصویری باطل است؛ تصویری که جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا هم داشت.

روزی که ترامپ به فلوریدا رفت، نوشت: استعفای ترودو حاصل تلاش‌های من بود؛ بنابراین این سرنوشت باید درسی برای مادر کشورمان باشد.

۹] ترامپ از همین حالا شروع به عمل به وعده‌هایش کرده که از جمله می‌توان به اخراج مهاجران و... اشاره کرد. آیا این نوع اقدامات موجب تنش در آمریکا نمی‌شود؟ ترامپ سیاست‌های سختگیرانه خود را افزایش خواهد داد. اصولاً افرادی مانند ترامپ در شرایط دوقطبی می‌توانند دوام بیاورند. خبر خوب این‌که ترامپ آمریکا را به هم می‌ریزد. او در حوزه سیاست خارجی و داخلی آشوب ایجاد می‌کند و این فرصتی برای کشورمان است. شهید سردار سلیمانی در جمله مشهوری اشاره دارند که گاهی اوقات در تهدیدها فرصتی است که در فرصت‌ها نیست اما این شرط دارد و شرط آن این است که نباید بترسیم و بترسانیم. ترامپ می‌تواند برای ایران فرصت باشد، به‌شرطی که از آن نترسیم.

منظور این نیست که نیروهای نظامی ما نسبت به تهدیدها بی‌توجه باشند، بلکه با توجه به چالش‌هایی که خود ترامپ برای آمریکا ایجاد می‌کند و فشارها را افزایش می‌دهد، این می‌تواند فرصتی باشد تا کشور در بعضی از حوزه‌ها به‌نفع خود عمل کند.

۹] ترامپ در مورد روسیه و اوکراین در این مراسم صحبتی نکرد. علت آنچه بود؟

برخلاف معمول که بحث‌های ترامپ بیشتر سیاست خارجی است، او در سخنرانی سوگندش در این حوزه زیاد ورود نکرد و به مسائل داخلی پرداخت. علت آن نیز این است که اولادغدغه خود ترامپ بحث‌های داخلی است و دلیل دوم این است که هنوز این سیاست‌ها تدوین نشده است تا ترامپ بخواهد ورود بیشتری به آن داشته باشد. هنوز اختلاف نظرهایی در مورد ایران، چین و روسیه در درون تیم ترامپ وجود دارد و سیاست نهایی هنوز تنظیم نشده است.

۹] آیا اولویت‌های سیاست خارجی‌اش مشخص نیست؟

خیر اولویت‌ها مشخص است اما این‌که درباره این کشورها چه می‌خواهد بکند هنوز تنظیم و نهایی نشده است.

۹] آیا رویکرد ترامپ به سیاست داخلی بیشتر است یا سیاست خارجی؟ آیا او بر همسایگانش بیشتر تمرکز دارد یا هر جایی که منافع آمریکا در خطر باشد حضور خواهد داشت؟

جمله‌ای در سخنرانی مراسم تحلیف بود که قابل توجه است. ترامپ می‌گفت من روند افول آمریکا را متوقف می‌کنم. این جمله نشان می‌دهد که آمریکا در حال افول است. نخبگان سیاسی و مردمی که در آنجا حضور دارند کاملاً نسبت به این مساله واقفند و آن را درک می‌کنند. از این جمله برمی‌آید که شاید بقیه مسائل شک و شبهه باشد اما این‌که آمریکا در افول قرار دارد برای همه مسلم است. البته ممکن است برخی از دوستان اصلاح‌طلب در این زمینه کم‌دقت بوده و در این باره شک و شبهه داشته باشند؛ اما شبهه‌ای وجود ندارد چون واقعیت‌ها آشکار است. در عمل روند افول آمریکا تسریع می‌شود، هم سیاست خارجی و هم سیاست داخلی توسط ترامپ به هم می‌ریزد و روند تسهیل می‌شود. یکی از مسائل دیگر کاهش ارزش پول آمریکاست که توسط ترامپ به وجود می‌آید و می‌تواند فرصت باشد.

۹] ترامپ در سخنانش پایان جنگ غزه را به نام خودش ثبت کرد و تأکید کرد به جنگ‌ها پایان می‌دهد اما باز تأکید کرد که تضمینی برای پایان آتش‌بس وجود ندارد. ارزیابی شما در این باره چیست؟

استیون کوک که جزو شورای روابط خارجی آمریکاست در مقاله‌ای سه دلیل را در مورد چرایی پذیرش آتش‌بس از سوی اسرائیل عنوان کرد. دلیل اول این بود که تعداد جنگجویانی که از حماس می‌تواند بکشد کمتر از جنگجویانی است که به حماس می‌پیوندند. تعداد نیروهای حماس افزایش یافته. جوانی که صهیونیست‌ها خانواده‌اش را کشته‌اند، مسلماً به حماس می‌پیوندند. این روند به‌نفع اسرائیل نیست و اسرائیلی‌ها این را برای حماس نمی‌خواستند. دومین مورد این بود که اسرائیلی‌ها در خطر غرق‌شدن در یک جنگ چرکی بودند. غزه مساحتی در حدود شهر تهران دارد و اسرائیلی‌ها نتوانستند تونل‌های آن را شناسایی کنند. آنها برای رسیدن به اهداف‌شان در نسل‌کشی و بیجهت‌کشی چیزی کم نگذاشتند. دلیل سوم هم این است که بعد از شهادت شهید سنوار، فکر می‌کردند که ساختار مدیریتی حماس به هم می‌ریزد که این اتفاق نیفتاد. اسرائیل مجبور به پذیرش آتش‌بس بود و آمدنش یک بهانه ایجاد کرد تا بتواند این آتش‌بس را ببذیرد وگرنه اصل پذیرش آتش‌بس، شکست میدانی اسرائیل بود.

گزارش

مهم‌ترین فرمان‌های اجرایی ترامپ در روز نخست

خروج از توافق نامه آب‌وهوایی پاریس

ترامپ با صدور فرمانی اجرایی، همراه با ارسال نامه‌ای به سازمان ملل، خروج آمریکا از توافق نامه پاریس ۲۰۱۵ را اعلام کرد. ترامپ در جریان تجمعی در سالن کپیتال وان آرناتگفته بود: من به‌طور فوری از توافق نا‌عادلانه و یک‌جانبه پاریس برای آب‌وهوا خارج می‌شوم. ترامپ در سخنرانی تحلیف خود گفت که از فرمان‌های اجرایی برای پایان دادن به این توافق استفاده خواهد کرد.

فرمان‌های اجرایی در طول تاریخ

در همین رابطه نگاهی به تاریخ دستورهای اجرایی در این کشور نشان می‌دهد که این اختیار، ابزاری برای رؤسای جمهور آمریکا جهت تغییر سیاست‌ها بدون نیاز به عبور از کنگره بوده است. در طول ۲۳۶ سال – از ۱۷۸۹ تا ۲۰۲۵ – ۴۶ رئیس‌جمهور آمریکا حداقل ۱۵هزار و ۹۰۲ فرمان اجرایی صادر کردند که به طور متوسط ۶۷ دستور در هر سال است. اولین فرمان اجرایی توسط اولین رئیس‌جمهور، جورج واشنگتن، در سال ۱۷۸۹ به تصویب رسید. در دوران پیش از جنگ داخلی (۱۸۶۱–۱۷۸۹)، رؤسای جمهور دستورات بسیار کمی صادر می‌کردند. اما می‌گوید در آن دوره دستورات اجرایی به‌طور متوسط

صفر تا چهار دستور در هر دوره بوده که این مساله نشان‌دهنده نقش محدود فدرال بود. در طول جنگ داخلی و دوران بازسازی (۱۸۷۷–۱۸۶۱)، تعداد این دستورات افزایش یافت، به طوری که آبراهام لینکلن در طول جنگ داخلی ۴۸ دستور صادر کرد و تعداد این دستورات در دوره یولیسیز سایمن‌گانت به ۲۱۷ مورد رسید. بین سال‌های ۱۸۹۷ و ۱۹۲۹، این دستورها افزایش یافت و به این ترتیب بود که در زمان ریاست جمهوری تئودور روزولت به ۱۰۸۱ دستور و در زمان وودرو ویلسون به ۱۸۰۳ دستور رسید. فرانکلین دی روزولت با صدور ۳۷۲۱ فرمان اجرایی از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵، در این زمینه رکورد دار است. او طی ۱۲ سال ریاست‌جمهوری خود با چالش‌های بزرگی همچون رکود بزرگ و جنگ جهانی دوم روبه‌رو بود و بسیاری از دستورات او نیز در همین رابطه صادر شد. پس از جنگ جهانی دوم و با گسترش کنترل‌های کنگره و دادگاه‌ها بر قدرت اجرایی، رؤسای جمهور دستورات کمتری صادر کردند.

راهبرد اول آمریکا

بسیاری بر این باورند که نوع و شکل فرمان‌های اجرایی از هر رئیس‌جمهور در آمریکا، نشان‌دهنده نگاه و سیاست‌های او در سیاست داخلی و بین‌المللی است. دونالد ترامپ معتقد است مسیر احیای قدرت آمریکا و جلوگیری از افول آن از مسیر تقویت داخلی آمریکای می‌گذرد و به همین دلیل تلاش دارد با استفاده از دستورهای اجرایی در این مسیر گام بردارد.